

پیشگیری و مقابله با جرم (چالش‌ها و چشم‌اندازها)

روح‌الله لثنی پارسا *

چکیده

در جهان کنونی پیشگیری از جرم که با هدف کاهش فرصت‌های مجرمانه انجام می‌پذیرد اهمیت بسیاری یافته است، زیرا ظهور اشکال جدید بزهکاری و گسترش فعالیت مجرمانه امروزه به یکی از نگرانی‌های اساسی جوامع تبدیل شده است. شناخته شده ترین شیوه‌های پیشگیری از جرم عبارتند از: الف) پیشگیری کیفری که بر کیفر مجرمان و تقویت قوه قهریه پلیس مبتنی است؛ ب) پیشگیری اجتماعی که بر انجام و ارائه برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، رفاهی و... برای کاهش زمینه‌های جرم مبتنی است؛ ج) پیشگیری وضعی که بیشتر به قربانیان جرم توجه کرده و در صدد است که با کاهش موقعیت‌های جرم زای بالقوه به قربانیان کمک نماید. تاثیر منفی افزایش جرم بر امنیت تأثیری غیر قابل انکار است. در این میان توجه به چالش‌های اساسی حوزه پیشگیری و مقابله با جرم، مراکز دخیل در این مسئله، چشم‌انداز اولیه و چشم‌انداز مطلوب نقشی بسیار مهم در مدیریت علمی و صحیح این حوزه داشته و بخش مهمی از مشکلات امنیتی کشور را حل خواهد کرد که در این مقاله به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

کلید واژه‌ها

جرم، پیشگیری، امنیت، چالش، چشم‌انداز، پیشگیری کیفری، پیشگیری وضعی، پیشگیری اجتماعی، سیاست جنایی

*. کارشناس ارشد علوم اجتماعی

مقدمه

بزه‌کاری همانند فقر، جهل و بیماری همواره در جوامع انسانی حضوری چشمگیر داشته است. اندیشمندان هر جامعه به دنبال حل این معما بوده‌اند که چرا عده‌ای از افراد مرتکب جرم می‌شوند و هنجارها و قواعد زندگی اجتماعی را نادیده می‌گیرند. حال آنکه، بیشتر مردم به این قواعد پایبندند و بدان به دیده احترام می‌نگرند.

ضرورت توسل به روش‌های علمی جهت بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر بزه‌کاری سبب شد که به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم به تدریج از بحث‌های فلسفی جبر و اختیار صرف نظر گردد و جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان به ارائه تئوری‌های گوناگونی که به زعم هر یک از آنان قادر به تبیین عوامل مؤثر بر جرم و انحراف و ارائه راه‌حل‌های پیشگیرانه باشد، مبادرت ورزند. ولی علیرغم همه نظریه‌های ارائه شده، به علت سرشت پیچیده آدمی و تعامل عوامل فراوانی که بزه از آن ناشی می‌شود، راه‌حل‌های منتخب و نتایج به دست آمده چندان امیدوار کننده نیستند.

جهانی شدن بزه‌کاری ضرورت همکاری کشورها را در سطح جهانی و تحت هدایت سازمان ملل متحد فراهم آورده است. تردیدی نیست که نظریه‌های ارائه شده در زمینه مبارزه با جرایم سنتی کارآیی لازم را جهت مقابله با جرایم سازمان یافته فراملی ندارند. برخلاف همه نظریه‌های مطرح شده، بزه‌کاری به حیات خود ادامه خواهد داد و پس از یک قرن این دیدگاه امیل دورکیم که جرم را «پدیده‌ای عادی» و «جزء لاینفک» جامعه انسانی می‌دانست، بیشتر مورد تأمل قرار می‌گیرد.

در عصر کنونی اهمیت پیشگیری و ترس از جرم به مراتب نسبت به گذشته بالاتر رفته است. دانشمندان جرم‌شناس این اعتقاد قدیمی را که پلیس تنها از طریق گشت زنی و ایست و بازرسی قادر است که از ارتکاب جرم‌ها جلوگیری کند را به چالش کشانده‌اند، زیرا انگیزه‌های ارتکاب جرایم بسیار گسترده است و پلیس نمی‌تواند درک محدودی از منشاء و روش‌های پیشگیری از جرایم داشته باشد. لذا اعتقاد دارند که فعالیت‌های مردمی و اثرهای نیروی اجتماعی بایستی نقش محوری و اساسی در پیشگیری از جرایم را ایفا کنند. (ولد،

نظام جمهوری اسلامی ایران نیز با تکیه بر این موضوع که «اصلاح و درمان بهتر از کیفر، و پیشگیری بهتر از درمان است» در وضع قوانین بر پیشگیری از جرایم توجه بیشتری کرده و جایگاه خاصی در وضع قوانین برای آن در نظر گرفته است. امروزه سیاست جنایی تنها اقدامات رسمی (دولتی) را شامل نمی‌شود، بلکه مشارکت‌های مردمی را هم در پیشگیری از جرایم مدنظر دارد. این اصل با تکیه بر تعالیم اسلامی از طریق امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند شیوه‌های کنترل اجتماعی غیر رسمی و سیاست جنایی مشارکتی را ترسیم کند.

پیشگیری از وقوع جرایم از وظایف قضایی نیروی انتظامی است و در قانون ناجا بند ۸ ماده ۴ انجام وظایفی که قانون به عنوان ضابط قوه قضاییه به عهده نیروی انتظامی محول شده است، از قبیل مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با قاچاق کالا، پیشگیری از وقوع جرائم، کشف جرائم، بازرسی و تحقیق، حفظ آثار و جرم، دستگیری متهمان، مجرمان و جلوگیری از فرار و پنهان شدن آن‌ها و ابلاغ احکام قضایی مورد تاکید قرار گرفته است. در سازمان و تشکیلات ناجا توجه به پیشگیری از وقوع جرائم در جهت تحقق هدف اصلی آن «که همان استقرار نظم و امنیت و تامین آسایش عمومی و فردی و نگرهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چهارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است» بوده و جایگاه بسیار مهمی دارد. در این مقاله با مرور ادبیات جرم و پیشگیری از آن به بررسی چالش‌ها و چشم‌اندازهای حوزه پیشگیری و مقابله با جرم پرداخته و تلاش می‌کنیم ابعاد مختلف این موضوع را بررسی کنیم.

اهمیت و ضرورت پیشگیری و مقابله با جرم

پدیده جرم امروزه به یکی از مشکلات اساسی جوامع بشری تبدیل شده است. جرم نه تنها به قربانیان مستقیم آن صدمه وارد می‌کند بلکه سایر افراد جامعه نیز از آن متضرر می‌گردند. علاوه بر احساس ناامنی که برای سایر افراد جامعه از مشاهده وقوع جرایم حاصل می‌گردد، صدمات مستقیم‌تری نیز به آن‌ها وارد می‌شود. توجه به این نکته نیز جالب است که جرم، بیشترین قربانیان مستقیم و غیرمستقیم خود را از میان افراد آسیب‌پذیر، چه از نظر جنسیت، چه از لحاظ سن و چه از نظر وضعیت مالی، برمی‌گزیند و بدین ترتیب دیگر نمی‌توان این فرضیه را که جرم در واقع انتقام‌گیری فقرا از ثروتمندان است پذیرفت بلکه

برعکس، بیشترین قربانی جرایم را همان طبقات آسیب‌پذیر و از جمله فقیران تشکیل می‌دهند و پیشگیری از وقوع این پدیده بیش از همه به نفع همین طبقات می‌باشد. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۲، ص ۱۵)

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان مشکل جرم را به طور کامل حل کرد و جامعه‌ای مبری از جرم ساخت؟ پاسخ احتمالاً منفی است. تا قبل از رسیدن به یک مدینه فاضله امکان‌رهایی یافتن کامل از جرم وجود ندارد. به قول دورکیم حتی در جامعه متشکل از قدسین نیز خطاهایی به وقوع می‌پیوندند که با معیارهای حاکم بین آن‌ها غیر قابل قبول و نادرست محسوب می‌شود. پس حداکثر کاری که می‌توان و باید انجام داد تقلیل جرم و کنترل آن است. شناخته شده‌ترین شیوه سنتی برای نیل به این هدف «پیشگیری کیفری» است. بر مبنای این نظریه، مجرمان نمی‌توانند برای فرار از مسئولیت به عواملی چون محرومیت‌های اجتماعی استناد نمایند، بلکه باید مسئولیت کامل در قبال اعمال خود را بپذیرند که این امر لاجرم منتج به محاکمه و مجازات آن‌ها می‌شود. اتخاذ موضعی از این دست، علاوه بر آن که در عمل، ناکارایی خود را در پیشگیری از وقوع جرم اثبات کرده است، این نکته بدیهی را نیز نادیده می‌گیرد که در هر جامعه‌ای که برای آزادی ارزش قائل است باید از حقوق جزا و مجازات به عنوان آخرین راه‌حل برای کنترل اجتماعی در موارد کاملاً ضروری استفاده شود. استفاده بیش از حد از حقوق جزا و مجازات باعث کاهش ارزش آن می‌شود، بدین ترتیب این امر باید تنها در مواردی که کاملاً ضروری و سودمند باشد انجام گیرد. به عبارت دیگر، باید منافع ناشی از جرم شناختن عمل و اعمال مجازات کیفری بر مجرم، بر هزینه‌های آن بچربد. (همان، صص ۱۶ و ۱۷)

با توجه به مطالب ذکر شده مهمترین ضرورت‌های توجه به حوزه پیشگیری و مقابله با جرم را می‌توان چنین بیان کرد:

- افزایش ضریب امنیتی جامعه و به تبع آن افزایش میزان رضایت مردم از مسئولین
- جلوگیری از اتلاف هزینه‌های بیت المال در راه مقابله با جرایم
- ایجاد جامعه‌ای سالم که آمادگی پذیرش فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی را داشته باشد
- خنثی کردن تاثیرات منفی جرایم بر ابعاد اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و...

- در این مقاله در پی پاسخگویی به سؤالات ذیل می‌باشیم:
- چالش‌های اساسی حوزه پیشگیری و مقابله با جرم کدامند؟
 - مراکز مسئول در حوزه پیشگیری و مقابله با جرم کدامند؟
 - چشم‌انداز اولیه در صورت ادامه روند موجود کدام است؟
 - چشم‌انداز مطلوب در حوزه پیشگیری و مقابله با جرم کدام است؟
 - اقدامات و راه‌حل‌ها در دو سطح ملی و انتظامی کدامند؟

چارچوب مفهومی - نظری موضوع

مهمترین مفاهیم مورد استفاده در مقاله حاضر واژه جرم و واژه پیشگیری هستند که بدین صورت تعریف می‌شوند:

جرم عبارت است از: اعمالی که سبب نقض قانون، به ویژه قانون جنایی می‌شود. دایره‌المعارف علوم اجتماعی در تعریف جرم آورده است: «تخطی از حقوق جنایی، در زبان روزمره، این واژه به نادرست در مورد هر رفتار مغایر با الگوهای پذیرفته جامعه به کار می‌رود». (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۵۲)

دکتر علی‌اکبر سیاسی نیز در روانشناسی جنایی می‌گوید: «جرم عبارت از سرکشی فرد در برابر اجتماع است که به وسیله مقررات قانونی تعبیر گردیده است و برحسب شدت و ضعف از نظر حقوقی سه نوع است: خلاف، جنحه و جنایت» (سیاسی، ۱۳۶۰، ص ۱۲)

و واژه «پیشگیری» در فرهنگ‌ها به معنای «جلوگیری کردن، مانع شدن، مانع سرایت شدن از پیش، جلو بستن یا پیش‌بندی کردن» آمده است و یک مفهوم کلی است و به مجموعه اقدام‌هایی گفته می‌شود که برای پیشگیری و جلوگیری از فعل و انفعالات زیان‌آور تحمیل شده بر فرد یا گروه، به عمل می‌آید. مانند پیشگیری از حوادث کار، پیشگیری از بزه‌کاری جوانان و پیشگیری از حوادث در جاده و ... از دیدگاه علمی، مراد از پیشگیری، هرگونه فعالیت سیاسی جنایی است برای محدود کردن امکان پیش آمدن مجموعه اعمال مجرمانه، از راه غیرممکن یا دشوار ساختن و پایین آوردن احتمال وقوع آن، بدون این که به کیفر یا جزای آن متوسل شوند. (منظمی‌تبار، ۱۳۸۴، ص ۳۰)

ویژگی‌های جرم

نسبی بودن جرم نسبت به جامعه

جرم در هر جامعه‌ای بر اساس ویژگی‌های آن جامعه تعریف می‌شود. چنانکه برخی اعمال هستند که در یک جامعه مجاز شناخته شده در حالی که در جامعه دیگر ناشایست و انحراف محسوب می‌شوند، مانند این که ارتباط جنسی میان دو فرد قبل از ازدواج در جوامع غربی مجاز می‌باشد، در حالی که در جامعه ما مذموم بوده و جرم منکراتی می‌باشد که قابل پیگرد و مجازات است.

نسبی بودن جرم از نظر مکان

انجام برخی اعمال و رفتارها در برخی مکان‌ها مجاز و پسندیده است، در حالی که اگر همان عمل و رفتار در مکان دیگری انجام شود، جرم محسوب می‌گردد، مانند نوع پوشش که در منزل و در اماکن عمومی با هم متفاوت است.

نسبی بودن جرم از نظر زمان

برخی اعمال در حال حاضر جرم محسوب می‌شوند، در حالی که پیش از این، این‌گونه نبوده است. در جامعه ما قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نوشیدن مشروبات الکلی و بی‌حجابی جرم به حساب نمی‌آمد، ولی اکنون با آن مبارزه می‌شود.

نسبی بودن جرم از نظر پیامدها و نتایج

محسوب شدن یک عمل به عنوان انحراف، به نتایج و پیامدهای آن و به آگاهی دیگران از آن عمل و نتایج بستگی دارد. به عنوان مثال رابطه سالم دختر و پسر اشکالی ندارد؛ ولی وقتی به انحراف و فساد کشیده می‌شود جرم محسوب می‌گردد.

نسبی بودن جرم از نظر فرد

به طور کلی تعریف جرم و مجرم بستگی به این دارد که چه کسی یک عمل را انجام داده و چه کسانی در جامعه توان و قدرت برجسب زدن و تعیین هنجارهای قالبی را دارند.

شاید در منزل بسیاری از افراد متمول و ذی‌نفوذ اعمال خلاف اخلاق صورت پذیرد و امور مجاز محسوب شود. (منظمی تبار، ۱۳۸۴، صص ۱۹ و ۱۸)

تبیین دیدگاه‌های کژ رفتاری اجتماعی

تبیین زیست‌شناختی

برخی از آسیب‌شناسان عوامل زیست‌شناختی مانند نقص جسمانی و وضعیت خاص ژنتیکی را علت کژ رفتاری می‌دانند و بر این باورند که جرم و جنایت، عادت‌های غیر قابل اجتنابی از پیامدهای حتمی یک ژن بد و یک خون بد هستند. نمونه این دیدگاه، نظریه جانی زادگان سزار لمبروزو، نظریه تباه زادگی و نظریه لذت جویی و دردگریزی هانس آیزنک می‌باشد. (ستوده، ۱۳۸۲، ص ۷۶)

تبیین روان‌شناختی

بسیاری از روانشناسان و روانکاوان علل کژ رفتاری‌های اجتماعی را برحسب نقص شخصیت و پایین بودن بهره‌هوشی تبیین می‌کنند و بر این باورند که کژ رفتاری محصول طبیعی میراث محیط زیست آلوده شهری است. در واقع، آن‌ها کژ رفتاری‌ها را پیش از آنکه به زن‌های غیر عددی یا کروموزوم‌های اضافی اختصاص دهند، به تجربه‌های تلخ دوران کودکی که معلول روابط ناسالم بین فرد و محیط اجتماعی اوست، نسبت می‌دهند. روان‌شناسان در تعریف شخصیت اتفاق نظر ندارند و در بحث‌های خود بیشتر به تفاوت‌های فردی توجه می‌کنند؛ یعنی ویژگی‌هایی که فردی را از افراد دیگر متمایز می‌کند. برخی از آن‌ها، شخصیت را روش خاص هر فرد در جستجوی پیدا کردن معنای زندگی می‌دانند و بر این باورند که وراثت و محیط هر دو در شکل‌گیری شخصیت نقش مهمی دارند. (همان، ص ۷۸)

تبیین جامعه‌شناختی

جامعه‌شناسان ریشه بسیاری از کژ رفتاری‌ها و آسیب‌ها را در محیط و شرایط اجتماعی جستجو می‌کنند و علل زیرساز بسیاری از آن‌ها را خود جامعه می‌دانند. وقتی خواست‌های

فرد با انتظارات جامعه هماهنگ نباشد، نابهنجاری فرد آغاز می‌شود و در صورت تداوم، زمینه‌های کجروی را پدید می‌آورد. مثلاً در جامعه ما فشار زندگی اجتماعی، تشدید مهاجرت‌های بی‌رویه، به هم خوردن نسبت تراکم جمعیت بین شهرها و روستاها، جوانی جمعیت، گرانی، بیکاری و ... همه دست به دست هم داده و موجبات سرپیچی برخی از مردم را از هنجارهای اجتماعی فراهم آورده است. جامعه‌شناسان در تبیین پیامدهای کژ رفتاری‌های اجتماعی معمولاً از برداشتی کارکردی استفاده می‌کنند. دیدگاه کارکردی به جای توجه به «فرد»، «جامعه» را مورد توجه قرار می‌دهند و بیشتر در جستجوی خواستگاه و منشاء کژ رفتاری در جامعه است و برای ماهیت زیست‌شناختی (نقص جسمانی و ژنتیکی) و روان‌شناختی (نقص شخصیت و تجربه‌های تلخ دوران زندگی) چندان اهمیتی قائل نیست. (ستوده، ۱۳۸۲، صص ۸۶ و ۸۷)

هدایت اله ستوده (۱۳۸۲) برای تبیین آسیب‌های اجتماعی چهار نظریه مهم و برجسته جامعه‌شناختی را مطرح می‌کند:

الف) نظریه فشار ساختاری:

این نظریه، رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهای اجتماع می‌داند. تعبیر ساده آن در این ضرب‌المثل آمده است که «فقر باعث جرم می‌شود» وجود فراوان فقر در یک ساختار اجتماعی فشارهایی را برای بروز انواع خاصی از کژ رفتاری‌ها فراهم می‌سازد.

جامعه‌شناسان ساختاری، تمام مشکلات و کجروی‌ها را از ساخت جامعه می‌دانند. مرتون معتقد است که ساخت اجتماعی در مرحله‌های خاصی شرایطی را فراهم می‌کند که شکستن قواعد حقوقی، پاسخی نرمال محسوب می‌شود. او چنین وضعیتی را «بی‌هنجاری» می‌خواند و می‌گوید: «انحراف برای آن پیش می‌آید که جامعه دستیابی به برخی هدف‌ها را تشویق می‌کند؛ ولی وسائل ضروری برای رسیدن به این هدف‌ها را در اختیار همه اعضای جامعه قرار نمی‌دهد. در نتیجه برخی افراد یا باید هدف‌های خاصی را برای خود برگزینند و یا برای رسیدن به هدف‌هایی که فرهنگ جامعه‌شان تجویز کرده، وسایل نامشروعی را به کار ببرند. مرتون چهار نوع رفتار انحرافی را که ممکن است در این فرایند پدید آید، چنین برمی‌شمارد:

۱- نوآوری: یعنی کوشش برای رسیدن به هدف‌های مشروع از طریق وسایل غیر مشروع. این حالت ازمنداول‌ترین انواع هنجارشکنی‌هاست. برای مثال: کسی که برای

رسیدن به رفاه اقتصادی به جای تلاش شرافتمندانه به سرقت، رشوه‌خواری و... دست می‌زند. این نوع انحراف میان طبقات پایین جامعه یعنی کسانی که هدف‌های مورد انتظارشان به وسیله ساخت‌های اجتماعی محدود شده، شایع‌تر است.

۲- مراسم‌گرایی: هنگامی مطرح می‌شود که هدف‌های پذیرفته شده مجال‌چندانی برای فعالیت پیدا نمی‌کنند؛ اما وسایل مشروع رسیدن به این هدف‌ها صمیمانه دنبال می‌شوند. برخی از کارمندان که بدون توجه به هدف‌ها، کورکورانه و خشک فقط مقررات سازمانی را به عنوان هدف‌ها و مقررات خود می‌پذیرند و تابعیت بی‌چون و چرای سازمان از مشخصات آنان است. طبقه متوسط به طور گسترده‌ای متناسب به مراسم‌گرایی هستند.

۳- کناره‌گیری: این نوع واکنش حالت انفرادی است که نه «هدف‌های مقبول» و نه «وسایل مقبول» هیچ‌کدام را نمی‌پذیرند. مانند کسانی که از اجتماع دوری می‌کنند و در لاک خود فرو می‌روند و معتادانی که آوارگی و خیابان‌خوایی را پیشه خود می‌سازند و یا در نهایت، کسانی که خودکشی می‌کنند و به زندگی خود خاتمه می‌دهند.

۴- سرکشی: این رفتار انحرافی وقتی رخ می‌دهد که شخص به این نتیجه برسد که جامعه موانعی را بر وی تحمیل می‌کند که مانع رسیدن او به هدف‌هایش می‌شود؛ از اینرو، شخص مزبور علیه جامعه طغیان و سرکشی می‌کند و دگرگونی هدف‌های خود برمی‌آید و می‌کوشد تا وسایل موجود برای رسیدن به آن‌ها را نیز تغییر دهد.

ب) نظریه انتقال فرهنگی:

این نظریه بر این نکته تأکید دارد که رفتار انحرافی از طریق کنش متقابل با دیگران و معاشرت با «دوستان ناباب» آموخته می‌شود. ساترلند بر این باور است که رفتار انحرافی از طریق «معاشرت با اغیار» یا «پیوند افتراقی» یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند جنایتکاران آموخته می‌شود. او می‌گوید: «برای آنکه شخصی جنایتکار شود، باید نخست پیاموزد که چگونه می‌توان جنایت کرد.»

ج) نظریه کنترل اجتماعی:

نظریه کنترل اجتماعی بر این پیش‌فرض استوار است که اگر بخواهیم از تمایلات جرم و بزهکاری جلوگیری شود، همه افراد جامعه چه جوان و چه بزرگسال باید کنترل شوند. «کنترل اجتماعی، ساز و کاری است که جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار می‌برد.» «طرفداران این نظریه می‌گویند که زندگی روی هم رفته پر از وسوسه و فریب است. مردم فقط به این دلیل با هنجارهای اجتماعی سازگاری نشان می‌دهند که جامعه قادر است، رفتار آنان را کنترل کند و اگر چنین کنترلی نباشد، ممکن است «سازگاری» و همنوایی کمی وجود داشته باشد.

دورکیم بر این باور بود که اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی (نیروی کششی که افراد یک جامعه را به هم پیوند می‌دهد) قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با ارزش‌ها و هنجارها همنوا می‌شوند؛ ولی اگر این همبستگی ضعیف باشد، ممکن است مردم به سوی «رفتار مجرمانه» کشیده شوند. هیرشی که از پایه‌گذاران این نظریه است در پاسخ به این سؤال که چرا همه مردم هنجارشکنی نمی‌کنند، می‌گوید: «چون جرأت آن را ندارند» او بر این باور است که کز رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف یا گسسته گردد. هیرشی بیان می‌کند که چهار عنصر اصلی دلبستگی (علاقه مردم به یکدیگر)، سرسپردگی (تعهد نسبت به هم)، درگیری (گرفتاری کار و خانواده بودن) و ایمان (وفاداری به ارزش‌ها و هنجارها) باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند.

یکی از سازوکارهای مهم کنترل اجتماعی در اسلام «امر به معروف و نهی از منکر» است. این پدیده که یکی از «اصول عملی» اسلام است همانند نماز و روزه و حج بر مسلمانان واجب است. امر به معروف و نهی از منکر به صورت حکم شرعی از کارایی موثری برخوردار است؛ زیرا مسلمانان احساس تکلیف شرعی می‌کنند تا به مقابله با آسیب‌های اجتماعی و هنجارشکنی‌ها برخیزند و در پاسداری از هنجارهای دینی جامعه اسلامی به وظیفه شرعی خود عمل کنند و مانع گسترش کجروی‌های اجتماعی گردند. به بیان دیگر، مردم موظفند از فضیلت‌ها و نیکی‌ها پاسداری کنند و از اشاعه مفاسد اجتماعی جلوگیری کنند.

د) نظریه بر چسب زدن:

این نظریه، انحراف را به عنوان فرایندی تبیین می‌کند که توسط آن برخی مردم موفق می‌شوند بعضی دیگر را منحرف بنامند. این نظریه بر نسبی بودن انحراف تاکید دارد و ادعا می‌کند که یک شخص یا یک عمل تنها زمانی «انحراف» تلقی می‌شود که «برچسب» انحراف توسط دیگران به آن زده شود. طرفداران این نظریه می‌گویند: «مجرم کسی است که برچسب خورده و رفتارها به خودی خود به عنوان کژ رفتاری یا جرم محسوب نمی‌شوند بلکه این افراد و گروه‌ها هستند که به این رفتارها به عنوان جرم «برچسب» می‌زنند.

جرم و سرمایه اجتماعی

نظریه سرمایه اجتماعی از جمله نظریات جدیدی است که جرم‌شناسان به آن توجه کرده‌اند. سرمایه اجتماعی توجه خود را بر تأثیر بالقوه روابط اجتماعی، هنجارهای مورد توافق گروه‌ها و نهادهای غیررسمی رفتارهای خشونت‌آمیز متمرکز می‌کند، اگر چه همزمان به سیاست‌گذاران برای تلاش جهت کاهش جرم نیز توصیه می‌کند ولی آنچه که واضح و غیرقابل انکار به نظر می‌رسد، این است که رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم و جنایت قطعی است و آن هم بیشتر به کنترل اجتماعی غیررسمی که در روابط موجود است برمی‌گردد. چرا که گفته می‌شود، این نظارت اجتماعی غیررسمی و درونی کردن بعضی هنجارهاست که اکثر مردم را از ارتکاب عمل مجرمانه باز می‌دارد نه ترس از قوانین و مجازات‌های رسمی. اگر پیوندهای اجتماعی قوی تأسیس نشود، مخصوصاً جوانان، در معرض خطر ارتکاب به جرایم قرار خواهند گرفت.

فرضیه نظارت اجتماعی و یا سرمایه اجتماعی توسط مدارک تجربی و تحقیقات میدانی زیادی در کشورهای مختلف مورد تأیید قرار گرفته است. در تحقیقی چنین استنباط می‌شود که سرمایه اجتماعی فرد، در انتخاب‌ها و درآمد او تأثیر گذاشته و در پیوند او به جامعه، هزینه‌های رفتار نابهنجار و خشونت‌بار او را افزایش داده و او را از ارتکاب به جرم باز می‌دارد.

یکی از آثار و تبعات منفی سرمایه اجتماعی که در مطالعات جرم‌شناسی مورد دقت و بررسی قرار گرفته را «سرمایه مجرمانه» است. در بررسی رفتارهای جرم‌زای جوانان فقط بریدن از جریان اصلی شبکه اجتماعی را علت اساسی آن نمی‌دانند، بلکه پیوستن او به شبکه

اجتماعی رقیب که همان شبکه انحرافات است را نیز از عوامل مؤثر می‌دانند. شبکه جوانان خیابانی از جمله این گروه‌های جرم‌خیز است. جرایم تشکیلاتی و گروه‌های مافیایی و این روزها تروریسم جهانی مثال‌های دیگری از بعد منفی سرمایه اجتماعی در ایجاد تشکیلات شبکه‌ای مجرمان است.

خصیصه‌های سیاست‌گذاری مقابله با جرم (سیاست جنایی)

هرگاه از عبارت «سیاست جنایی» سخن به میان می‌آوریم بایستی ویژگی‌ها و خصیصه‌های منحصر به فرد این رشته از علوم جنایی را در نظر داشته باشیم. این ویژگی‌های منحصر به فرد است که ابعاد اهمیت و تمایز سیاست جنایی را نمایان‌تر می‌سازد. هر چند برای سیاست جنایی خصیصه‌های زیادی را از ابعاد و وجوه مختلف می‌توان برشمرد. ولی شاخص‌ترین این ویژگی‌ها موارد ذیل را شامل می‌شوند:

- ۱- آگاهانه بودن
- ۲- انسجام و یکپارچگی داخلی
- ۳- هماهنگی با سیاست‌های کلی اجتماع (همنوایی بیرونی)
- ۴- تحول و پویایی
- ۵- علمی بودن
- ۶- راهبردی بودن
- ۷- ناهمزمانی و نامتقارن بودن
- ۸- چند مبنایی بودن
- ۹- اختصاصی بودن

انواع سیاست‌گذاری‌های مقابله با جرم

الف) سیاست جنایی دولتی (رسمی)

واکنش‌ها و پاسخ‌های شاخه دولتی سیاست جنایی به کلیه پاسخ‌هایی اطلاق می‌شود که کلیت یک نظام رسمی سیاسی و قوای موجود در آن (جامعه رسمی) علیه پدیده مجرمانه (جرم و انحراف) اعمال می‌کنند. با عنایت به این که نظام سیاسی و رسمی کشور متشکل از

قوای تقنینی، قضایی و اجرایی است ناگزیر باید پاسخ‌های رسمی (سیاست جنایی دولتی) را نیز در سه قلمرو تقنینی، قضایی و اجرایی بررسی کنیم.

۱- سیاست جنایی تقنینی

هنگامی که از سیاست جنایی تقنینی صحبت به میان می‌آید منظور سیاست گذاری‌ها و تدابیر مراجع رسمی و قانونگذاری و یا انتخاب‌های رسمی قانونگذار در خصوص کنترل پدیده مجرمانه، جرایم مجازات‌ها و انحرافات و تخلفات است. که در فرض علمی بودن سیاست جنایی قانونگذار این تدابیر را تحت تاثیر دیدگاه‌های جرم‌شناختی، جامعه‌شناختی، فلسفی، ایدئولوژیک و غیره برای یک دوره مشخص زمانی پیش‌بینی می‌کند. در مطالعات سیاست جنایی به ویژه در شاخه تقنینی آن، محور اساسی مباحث و مطالعات «بررسی و نقد مهمترین مرحله از سیکل چرخه جنایی یعنی مرحله ارزش‌گذاری تقنینی، مشتمل بر وضع تدوین مقررات قانونی در خصوص تعیین جرایم و تخلفات و پاسخ‌های موجود و حدود اختیارات نهادهای کیفری و اجرایی است. این سیاست جنایی در واقع بیانگر دیدگاه‌ها و روش‌های متخذه قانونگذار در کنترل تخلفات» بوده و به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی سیاست جنایی تلقی می‌گردد و موضوع آن هم مطالعه چاره‌اندیشی‌های قانونگذار در مورد جرایم و چگونگی واکنش یا پاسخ به آن است که این ارزش‌گذاری‌های تقنینی با توجه به وابستگی سیاست جنایی به ساختار نظام سیاسی هر کشوری حالت‌های گوناگونی به خود خواهد گرفت.

۲- سیاست جنایی قضایی

بدون تردید در مطالعات سیاست جنایی در کنار مطالعه و شناخت نقش قانونگذار در تنظیم و ترسیم خطوط اساسی جرم‌انگاری و تعیین پاسخ‌ها مطالعه نقش دستگاه قضایی و رویه قضایی در مفهوم کلی آن (یعنی عملکرد و رهیافت‌های مقامات و مراجع قضایی به قوانین کیفری و نحوه کاربست خطوط ترسیمی قانونگذار) نیز از اهمیت اساسی برخوردار است، بدین ترتیب مطالعه سیاست جنایی قضایی در یک کشور شامل مطالعه نحوه نظارت عملی تضمین اجرای قوانین و نیز مستلزم ملاحظه عملکرد، رویه، تصمیمات و احکام صادره نهادهای قضایی (دادگاه‌ها، دادرها، نهادهای ستادی و صفی نظام قضایی) می‌باشد چرا که تردیدی نیست که قوه قضائیه و ارکان آن این قابلیت را دارند که به انحای مختلف در نظام

سیاست جنایی ایفاگر نقشی اساسی باشند و حتی در مواردی سوای نقش اولیه خود، با ارائه طرح‌ها و لوایح قضایی مناسب (بند ۱۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی) سیاست جنایی تقنینی کشور را نیز حتی متأثر ساخته و تغذیه نماید.

۳- سیاست جنایی اجرایی

در راستای مطالعه نظام واحد سیاست جنایی، بدون تردید تحلیل راهبردهای اجرایی و عملی و مطالعه تصمیمات نهادهای مختلف قوای اجرایی در قبال پدیده مجرمانه دوشادوش سیاست جنایی تقنینی و قضایی ضرورتی اساسی است. قوه مجریه گرچه به ظاهر از لحاظ کیفی ابزارمند نیست، ولی بی‌تردید دارای نهادهای نظارتی خاص، با ضمانت اجراهای اداری و صنفی بوده و هم‌چنین با در اختیار داشتن امکان ارائه لوایح خاص مربوط به نظام کیفری به مراجع قانونگذاری می‌تواند ایفاگر نقش مهمی در نظام سیاست جنایی باشد. نهادهای مرتبط به قوه مجریه که جنبه اجرایی و اداری دارند مانند وزارت دادگستری، پلیس، سازمان زندانها، اداره گمرکات، اداره کار، سازمان بهزیستی، اداره مالیات و... نیز همگی می‌توانند در جهت غنای سیاست جنایی ایفاگر نقش ارزنده‌ای باشند و یا غنای این مراجع و ابزارها و تنوع و گستردگی آنها یک نظام سیاست جنایی ابزارمندی را سامان دهد. در میان نهادهای اجرایی سیاست جنایی اهمیت و نقش پررنگ نهاد اجرایی هم‌چون پلیس در اعمال سیاست جنایی اجرایی انکار ناپذیر است. به گونه‌ای که پلیس به عنوان یک نهاد وابسته به قوه مجریه علاوه بر نقش سنتی خویش در مورد ضابطین قضایی، امروزه در نقش متحول خویش با پیوند با جامعه، نقش پیشگیری، نقش حمایتی و هدایتی و ارشادی را برای اعضای جامعه به ویژه افراد درگیر در پرونده‌های کیفری در سرلوحه کارهای خود قرار می‌دهد. اقدامات پلیس حتی به قلمرو اقدامات قضا زدایی و میانجیگری رسمی و غیر رسمی نیز وارد شده و حجم بسیار عظیمی از پرونده‌های کیفری را پلیس در همان ابتدای شروع چرخه قضایی، قضا زدایی می‌کند.

ب) سیاست جنایی غیردولتی (سیاست جنایی مشارکتی)

امروزه حرکت به سوی یک سیاست جنایی مشارکتی امری ایده آل و مطلوب تلقی می‌شود و مشخصه بارزی از یک سیاست جنایی ابزارمند و ریشه دار است و اصولاً سیاست

جنایی توأم با مشارکت وسیع جامعه و ایجاد اهرم‌های تقویتی جامعه دیگر به غیر از قوه مقننه و قوه قضائیه به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به طرح جامع سیاست جنایی است که به وسیله قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین می‌گردد. چرا که در واقعیت‌های کنونی جوامع تردیدی باقی نمانده است که حقوق کیفری سیاست جنایی بایستی مطابق خواسته‌ها و علایق، استقبال و مشارکت جامعه باشد، چرا که این جامعه است که موضوع راهبردها و ابزارهای خاص سیاست جنایی قرار می‌گیرد و عدم هم‌نوایی و همسویی بدنه اصلی اجتماع همه مسائل رسمی را عقیم خواهد گذاشت و اتفاق و بی‌علاقگی و عدم پیوستگی مردم با نظام سیاست جنایی رسمی و مقامات و نهادهای اعمال کننده آنرا افزایش خواهد داد. زمینه‌ها و استعدادهای بالقوه و بالفعل مشارکت مدنی در سیاست جنایی فراوان است این گونه مشارکت‌ها می‌تواند در قالب مشارکت با بخش سیاست جنایی تقنینی در قالب مشارکت مستقیم در انتخاب قانونگذار و یا در قالب قانونگذاری مستقیم (رفراندوم) و یا در قالب شوراهای محلی شهر و استان و غیره باشد. (نوروزی، ۱۳۸۵، ص ۷۲-۶۳)

ج) جایگاه پیشگیری در سیاست‌های مقابله با جرم

پیشگیری در واقع بخشی از وظیفه همه نهادهای دولتی است و بنابراین نمی‌توان این وظیفه را تنها بر دوش یک نهاد یا سازمان قرار داد. مهمترین راه و روش مقابله با جرم اتخاذ برنامه و تدابیری اساسی و هماهنگ در رابطه با سه مسئله اساسی است: ۱- تلاش در زدودن عوامل جرم‌زا در جامعه؛ ۲- کوشش به منظور عدم تأثیر عوامل جرم‌زای موجود در جامعه بر افراد؛ ۳- کنترل عوامل مذکور برای جلوگیری از وقوع جرایم و جدیت در کشف جرایم واقع شده. (منظمی‌تبار، ۱۳۸۴، ص ۲۲)

در یک سیاست جنایی جهت‌گیری شده به سمت پیشگیری از جرم، پیشبرد تدابیر جایگزین کیفرهای سالب آزادی، بازپذیری اجتماعی بزهکاران و بالاخره کمک به بزه‌دیده‌گان باید در کشورهای مختلف دنبال شود و گسترش یابد، یک چنین سیاستی، واکنشی مناسب در مقابل مسائل بزه‌کاری که امروزه کشورهای گوناگون با آن‌ها مواجه‌اند محسوب می‌شود و اجرای این سیاست قبل از هر چیز مستلزم الحاق و مشارکت فعال افراد و گروه‌های مختلف جامعه به ویژه قضات، کارکنان زندان‌ها و پلیس (که از نظر حرفه‌ای مستقیماً در آن ذی‌نفع‌اند) است.

در سیاست جنایی اسلام نیز پیشگیری از وقوع جرم کم و بیش مورد توجه قرار گرفته است. آموزش، تقویت انگیزه‌های معنوی، تأمین نیازهای طبیعی و مشروع و خلاف عوامل تحریک کننده، از یک سو و مراقبت همگانی و متقابل که با «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه اسلامی به عمل می‌آید، از سوی دیگر، عناصر و مراحل مختلف این جنبه از سیاست جنایی اسلام محسوب می‌شوند که «جامعه مدنی» در آن سهم عمده‌ای را داراست. این رابطه را می‌توان تحت دو عنوان آموزش، حمایت و مراقبت متقابل مورد بررسی قرار داد.

تئوری‌های کلان در تدابیر پیشگیری

تا پیش از تولد جرم‌شناسی تنها راه مبارزه با جرم عمدتاً کیفر بود. به بیان دیگر، جوامع بشری از دوران باستان تا تولد «انسان شناسی جنایی» برای کاهش بزه‌کاری از نظام کیفری و حتی از شدت مجازات بهره می‌گرفتند. به تدریج به دنبال افزایش نرخ بزه‌کاری با وجود شدت یافتن مجازات، برخی اندیشمندان سرعت، حتمیت و قطعیت اجرای کیفر را برای کارایی بیشتر نظام کیفری در کاهش نرخ جرم پیشنهاد نمودند. با وجود آن که این امر در جای خود اثرگذار بود، اما نظام عدالت کیفری هم چنان به ناتوانی خود در مهار بزه‌کاری ادامه می‌داد. از آن پس برای کیفری نمودن بزه‌کاری تنها به رفتار بزهکارانه وی توجه نشد، بلکه شخصیت بزه‌کار به عنوان کسی که فاعل جرم است مورد توجه قرار گرفت. بدین‌سان «جرم مداری» جای خود را به «مجرم مداری» واگذار کرد، مجرم مداری سبب گردید تا بزهکاران هر دسته با طبقه دیگر و راه مقابله با بزه‌کاری هر طبقه با سایر دسته‌ها متفاوت است.

پیشگیری پلیسی

پلیس به عنوان بازوان توانمند دستگاه عدالت کیفری محسوب می‌گردد که پیشگیری از جرم و کشف و تعقیب جرائم از جمله کارکردهای اساسی آن به شمار می‌آیند. نیروی انتظامی از طرف دولت، مسئولیت تأمین امنیت اشخاص، اموال و آسایش آنان را در جامعه

به عهده دارد. حتمیت اجرای قانون و مجازات در وهله اول بستگی به کارکرد مثبت نیروی انتظامی دارد. لازمه موفقیت این ابزار اساس دستگاه عدالت کیفری، علاوه بر تغییرات درون سازمانی و توفیق هر چه بیشتر در دستیابی به علوم و فنون پلیسی و استفاده از تجارب خود و دیگران، بستگی به عواملی دارد که معمولاً در خارج از محدوده پلیسی، یعنی عرصه اجتماع وجود دارند.

برخلاف اقدامات پیشگیری اجتماعی که متضمن اقدامات در عمق و دراز مدت است، اقدامات پلیسی در پیشگیری، از اقدامات موقتی و محدود به یک جنبه یا یک دوره محدود است، اقدامات پلیس را در زمینه پیشگیری می‌توان در دو گروه مجزا بررسی کرد. گروه اول اقدامات پیشگیرانه کلاسیک است که شامل پیشگیری به وسیله سرکوبی، پیشگیری به وسیله حضور پلیس (استقرار پست‌های پلیس و سازمان گشتی‌های مراقبت) است و گروه دوم اقدامات پیشگیری نوین است. (نوروزی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴)

الف) اقدامات پیشگیری کلاسیک

حضور فیزیکی گسترده نیروی انتظامی، ایجاد گشتی‌های متعدد و شبانه‌روزی و اقداماتی از این دست می‌تواند به عنوان یکی از عوامل بازدارنده ارتکاب جرم باشد. نیروی انتظامی معمولاً این نقش خود را با تدارک مأمورین ملبس به اونیفورم خاص در اشکال زیر عملی می‌نماید:

- پاسگاه‌های ایست و بازرسی ثابت و سیار

- گشت‌های سواره

- گشت‌های پیاده

ب) اقدامات نوین پیشگیری پلیسی

۱- اقدام درباره عوامل جرم‌زا و عوامل تسهیل‌کننده ارتکاب جرم

عوامل جرم‌زا را به طور کلی می‌توان به عوامل عمومی جرم‌زا و عوامل اختصاصی جرم‌زا و یا عوامل فردی (درونی) و عوامل محیطی (اجتماعی و بیرونی) تقسیم نمود، نقش نیروی

انتظامی در عوامل عمومی جزا بیشتر نقش ارشادی و گزارش مشکلات و معضلات (عوامل جرم‌زا) به مبادی ذیربط برای حل و فصل و مرتفع نمودن آنهاست. پلیس باید تلاش نماید تا عوامل جرم‌زا و عوامل تسهیل کننده ارتکاب جرم را شناسایی کند و تنها در آن صورت است که قادر خواهد بود راهبرد پیشگیری از جرائم را تدوین نماید.

۲- اقدامات ناظر بر اشخاص مشکوک و تکرارکنندگان جرم

اشخاص مشکوک کسانی هستند که بنابه اوضاع و احوال حاکم ارتکاب جرم از ناحیه آنان محتمل است. هم‌چنین است درخصوص تکرار کنندگان جرم که پس از آزادی از زندان (به ویژه درخصوص مجرمین حرفه‌ای) پلیس همواره حرکات مشکوک آنان را تحت نظارت داشته و با استفاده از سوابق موجود در بایگانی جنایی روابط این افراد را با دیگر مجرمین کنترل کرده و سعی دارد تا این‌گونه افراد مجدداً به ارتکاب جرم دست نزنند.

۳- اقدامات ناظر به اشخاص آسیب پذیر

در این مقوله واحدهای پلیس اشخاص آسیب پذیر را شناسایی نموده و از آنها حمایت می‌کنند. این اقدامات با توجه به پیش استعدادهای مردم برحسب سن و جنس، حالت‌های روانی، وضعیت اجتماعی و وضعیت شغلی متغیرند.

۴- پیشگیری از وقوع جرم از طریق تربیت عامه

اندیشه اصلی این برنامه این است که اگر سطح اطلاعات عامه درباره علل تبهکاری و وسایل مبارزه با آن و هم‌چنین وسایل علمی پیشگیری بالاتر رود، پیشگیری بهتر تأمین خواهد شد.

به عبارت بهتر چنان چه عامه مردم با اختیارات پلیس آشنایی داشته باشند و حدود وظایف و اختیارات قانونی او را بشناسند و از طرفی با قوانین و مقررات حاکم بر پلیس آشنایی داشته باشند، یقیناً کمتر حاضر می‌شوند در ارتکاب اعمال مجرمانه مثل ارتشاء با

پلیس هماهنگ شوند. بنابراین برنامه‌های نوین پیشگیری پلیسی می‌تواند بر تربیت عامه مردم و جامعه پلیس متمرکز گردد.

پیشگیری غیررسمی (غیردولتی)

از جایی که عدالت کیفری در شرایط کاملاً رضایت بخشی قادر به مهار بزه‌کاری نبوده، انجام این مأموریت در شرایط حاضر بیشتر دشوار شده است. عدم تناسب نظام کیفری با وظایف محوله امری واقعی است. چرا که بار مأموریت‌های این نظام بی‌اندازه زیاد شده و در نتیجه کارآیی آن مورد تردید واقع شده است. بنابراین وجود یک نهاد کمکی در جوار عدالت کیفری ضروری است. در جایی که قانون کیفری می‌تواند جای خود را به اقدام اجتماعی بدهد، اشکال نوین بزه‌کاری، شیوه‌های جدید مبارزه را می‌طلبد و این جایگزینی باید بدون این که برای امنیت جامعه یا آزادی‌ها زیان آور باشد صورت گیرد. این موضوع ایجاب می‌کند ضمانت‌های اجرایی اجتماعی که کمتر بدنام کننده‌اند جایگزین نظام ضمانت اجرای کیفری می‌شوند. بنابراین مشارکت مردم در انواع پیشگیری، بخصوص پیشگیری‌های غیررسمی که منشاء مردمی دارند بسیار حائز اهمیت است. این نوع پیشگیری‌ها عبارتند از پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی.

پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی یا اصلاحی از طریق عمل اصلاحات فردی و اجتماعی که زیربنای اصلی و اساسی رویکرد پیشگیری اجتماعی است، خواستار مهار و کنترل بزه‌کاری است و به عبارتی این پیشگیری در صدد و تلاش می‌باشد که از طریق شناخت علل ارتکاب جرم (اعم از فردی یا اجتماعی) و با برطرف نمودن آن‌ها با انجام اصلاحات فردی و اجتماعی زمینه‌های وقوع جرم را از بین ببرد. و در واقع این پیشگیری با ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی است. پیشگیری مزبور در صدد آن است که اعضای جامعه را از طریق آموزش، تربیت، تشویق، تنبیه با قواعد اجتماعی آشنا و هم‌نوا کند و به دیگر سخن این پیشگیری به دنبال کاهش یا از بین بردن علل فردی یا اجتماعی اثرگذار بر بزه‌کاری می‌باشد.

پیشگیری وضعی (پیشگیری موقعیت مدار)

کلی‌گرایی و عدم حد شعور مشخص پیشگیری اجتماعی و نیز وجود این خطر که علیرغم هزینه و صرف منابع گزاف برای انجام اقدامات اجتماعی ممکن است نتیجه مورد نظر در کاهش جرم حاصل نیاید. از این رو اولین بار «عبارت پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار» از سوی وزارت کشور انگلستان مطرح می‌گردد. و این رویکرد جرم شناسان را معطوف به پیشگیری وضعی می‌نماید و طرز تلقی جرم شناسان را معطوف به فرصت‌های مجرمانه و حمایت بزهدیده‌گان می‌نماید.

پیشگیری وضعی به صورت تدابیر کنشی در جهت مقابله و متوقف کردن فرصت‌های مجرمانه استوار گردیده و از این رو تعبیر دیگر این پیشگیری، «پیشگیری موقعیت مدار» است. در این پیشگیری به دنبال اثرگذاری بر «موقعیت‌ها» و «وضعیت‌های» ماقبل اعمال مجرمانه یا منحرفانه هستیم و به عبارتی در پیشگیری وضعی هدف تأثیرگذار بر وضعیت‌های پیش از وقوع اعمال جنایی می‌باشیم. بنابراین آنچه باید مورد توجه قرار گیرد اوضاع و احوال پیش و ماقبل وضعیت‌های مجرمانه است تا به منظور خنثی کردن اثر آن‌ها در فرایندی که به ارتکاب عمل منتهی می‌شود جلوگیری بعمل آید.

در واقع چارچوب تئوریک پیشگیری وضعی از رویکردهایی ناشی می‌شود که بر این امر تأکید می‌کنند که جرم و مشارکت در عملیات مجرمانه اغلب از «وجود یک فرصت عملی و جذاب برای ارتکاب جرم» حاصل می‌گردد. (نوروزی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲)

مراحل پیشگیری

در جرم‌شناسی، مراحل پیشگیری از جرایم را به سه مرحله تقسیم می‌نمایند.

مرحله اول پیشگیری

مجموعه اقدام‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که سعی در تغییر و کنترل شرایط جرم‌زای محیط فیزیکی و اجتماعی دارد تا با بهبود بخشیدن به شرایط زندگی اجتماعی، از ارتکاب هر نوع جرمی توسط آحاد جامعه پیشگیری نماید. در این مرحله از پیشگیری، تلاش بر این است که افراد جامعه به سوی ارتکاب جرم گرایش پیدا نکنند.

مرحله دوم پیشگیری

در این مرحله، تلاش‌های پیشگیرانه در کنترل افراد خاصی که در معرض خطر بزه‌کاری قرار دارند، متمرکز است به طور مثال در پیشگیری از اعتیاد، تمرکز تلاش‌ها بر افرادی است که به صورت تفننی یا تفریحی مبادرت به مصرف مواد مخدر می‌کنند؛ ولی هنوز به درجه اعتیاد کامل نرسیده‌اند و هدف، جلوگیری از سوء مصرف مواد مخدر است. یا در کنترل بزه‌کاری اطفال و نوجوانان، اقدام‌های پیشگیرانه متمرکز بر اطفال و نوجوانانی است که بنا به دلایلی در معرض خطر بزه‌کاری هستند و بیم ارتکاب جرم از جانب آن‌ها بیشتر متصور است.

مرحله سوم پیشگیری

در این مرحله، اقدام‌های پیشگیرانه برای جلوگیری از تکرار جرم و بازسازی مجرمان متمرکز است. تلاش‌های پیشگیرانه برای جلوگیری از تکرار جرم و رفتارهای مجرمانه است تا مجرمان، اصلاح و با محیط اجتماعی خود سازگار شوند و به ارتکاب مجدد جرم گرایش پیدا نکنند. (گل محمدی خامنه، ۱۳۸۴، ص ۱۳)

نهادهای سازمان‌های تأثیرگذار بر مقوله پیشگیری و مقابله با جرم

علاوه بر نیروی انتظامی که تمامی مسئولیت‌های پیشگیری و مقابله با جرائم بر عهده آن نهاده شده است می‌توان به سازمان‌ها و نهادهایی اشاره کرد که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر این امر تأثیرگذار بوده و می‌توانند در کاهش و افزایش جرائم دخیل باشند. این سازمان‌ها و نهادها عبارتند از:

خانواده:

با انتقال و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای مثبت به اعضا، تامین امنیت روانی و اقتصادی افراد تحت تکفل، ایجاد هویت اسلامی- ایرانی و... به مقوله پیشگیری و مقابله با جرم کمک می‌کند.

وزارت آموزش و پرورش:

با آموزش درست قوانین و مقررات، پرورش انسان‌هایی سالم که دارای قدرت تفکر و اندیشه باشند، درونی کردن ارزش‌های مذهبی و اخلاقی به این مقوله کمک می‌کند.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری :

با آموزش هنجارها، ارزش‌ها و قوانین در ادامه اجتماعی شدن جوانان، ایجاد ارتباط با سایر سازمان‌ها و انجام تحقیقات علمی در زمینه راه‌های کاهش جرم و...

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی:

با تلاش در جهت گسترش فرهنگ اصیل ایرانی- اسلامی، احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و... می‌تواند به این موضوع یاری رساند.

وزارت کشور :

از طریق هدایت صحیح شوراها، شهرداریها، فرمانداری‌ها و استانداری‌ها و با اتخاذ سیاستی واحد تأثیری قطعی بر مسائل امنیتی کشور، از جمله پیشگیری و کنترل جرائم دارد.

وزارت رفاه و تامین اجتماعی :

با ارائه برنامه‌های علمی و کاهش میزان فقر و محرومیت در کنار سازمان بهزیستی و کمیته امداد به طور غیر مستقیم بر این مقوله تأثیر گذار است

وزارت کار و امور اجتماعی :

با اتخاذ سیاستهایی در راستای کاهش میزان بیکاری، تلاش در جهت ارائه بهتر خدمات اجتماعی و... به مقوله پیشگیری از جرم کمک می‌کند.

وزارت اقتصاد و دارایی:

با تدوین سیاست‌های کلان اقتصادی با دیدی عدالت محور و به تبع آن کاهش فقر و محرومیت، به طور غیر مستقیم به کاهش انحرافات کمک می‌کند.

وزارت تعاون:

با تقویت فرهنگ کار گروهی، کمک به افزایش اشتغال مولد و... به طور غیر مستقیم بر کاهش جرایم تأثیر گذار است.

قوه قضائیه:

با مجازات قانونی و شدید مجرمان، حمایت از مامورین ناجا در ماموریتها، نظارت بر زندان‌ها و کنترل تاثیر آن بر زندانیان، برخورد با دانه درشت‌ها و مجرمان واقعی و... به کنترل جرم کمک می‌کند.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران :

با فرهنگ سازی و درونی کردن ارزش‌های اصیل، ارزیابی و کنترل سازمان‌های مسئول، عدم پخش برنامه‌های مخرب و... به این مقوله کمک می‌کند.

سازمان ملی جوانان :

با برنامه ریزی در زمینه اوقات فراغت جوانان، ارائه برنامه‌ها و راه کارهای عملی در زمینه ازدواج و اشتغال جوانان و... می‌تواند نقشی مؤثر در پیشگیری از جرم ایفا کند.

حوزه‌های علمیه و روحانیون :

با آموزش دستورات دینی، احیای فرائض مختلف دینی و کنترل اعمال و رفتار خود به عنوان الگوی عملی دین و... می‌توانند در مقوله پیشگیری از جرم فعال باشند.

مجمع تشخیص مصلحت نظام :

با تدوین سیاست‌های کلی در زمینه پیشگیری و مقابله با جرم، ملزم کردن سازمان‌های مسئول به اجرای این سیاست‌ها و... به حل این چالش‌ها کمک می‌کند.

مجلس شورای اسلامی :

با تدوین قوانین و سیاست‌های علمی و عملی و نظارت بر حسن اجرای این قوانین، تصویب بودجه مخصوص، ایجاد هماهنگی میان سازمان‌های مسئول و... می‌تواند به حل این مسئله کمک کند.

وضعیت و چشم‌انداز پیشگیری و مقابله با جرم در ایران**وضعیت موجود**

ظهور اشکال جدید بزهکاری و گسترش فعالیت مجرمانه و به موازات آن بالا رفتن احساس ناامنی و ترس از جرم امروزه به یکی از نگرانی‌های اساسی افراد جامعه تبدیل شده

است. از سوی دیگر رویکرد خبرگان قانون اساسی نسبت به مسئله پیشگیری از جرم یک رویکرد قضایی بوده و به همین دلیل علی‌رغم این که بخش عمده‌ای از متغیرهای مؤثر بر جرم، خارج از حیطه اختیارات و وظایف نیروی انتظامی و دستگاه قضایی است «اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم» (بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی)، ولی در زمره وظایف نیروی انتظامی و قوه قضائیه قرار گرفته است. گاه این امر اختلاف نظرهای زیادی را در خصوص تفسیر این بند و تعیین نهاد متولی مدیریت پیشگیری از جرم در کشور ایجاد کرده و باعث شده است اجرای این بند از بدو تصویب قانون اساسی تاکنون به حالت تعلیق درآید. از سوی دیگر، مسئله پیشگیری از جرم در قوانین عادی و شرح وظایف برخی از سازمان‌ها و نهادها مانند سازمان بهزیستی آمده است، که به دلیل فقدان راهبردی مشخص و مدون در این زمینه، بخش‌های عمده‌ای از آن به مرحله اجرا در نیامده و یا بحث پیشگیری از طریق توسل به مجازات محدود مانده است.

وضعیت موجود در دو سطح ملی و انتظامی از قرار زیر است:

الف) در سطح ملی

- افزایش روزافزون جرائم به صورت سازمان یافته و غیر سازمان یافته؛
- افزایش مصادیق جرم در کشور و ایجاد نوعی سردرگمی در زمینه شیوه‌های برخورد با آن؛
- نبود قانون جامع در کشور در زمینه برخورد با جرائم و مصادیق آن؛
- تداوم مشکلات اقتصادی جامعه (بیکاری، تورم و...) و تاثیر مستقیم و غیر مستقیم این مشکلات بر افزایش جرم؛
- توسعه ناموزون کشور و عدم توجه به مناطق محروم که زمینه بسیاری از جرائم می‌باشد؛
- عدم جامعه پذیری و اجتماعی شدن درست افراد جامعه توسط نهادهای مسئول هم‌چون خانواده، مدرسه، وسایل ارتباط جمعی و...؛
- عدم آشنایی با قوانین مختلف کشور و لزوم احترام به قانون و رعایت آن از جانب مردم؛

- عدم برخورد قاطع و قانونی با مجرمان و تاثیر آن بر اقتدار قانون و دستگاه قضایی؛
- کاهش پایبندی به ارزش‌های مذهبی به عنوان عامل کنترل درونی افراد جامعه؛
- احساس محرومیت نسبی در جامعه و تشدید شکاف طبقاتی در کشور؛
- عدم تعریف دوباره ارزش‌ها و هنجارهای جامعه از سوی نظام حکومتی و خارج شدن هنجارها از کنترل حکومت؛
- آنومی یا بی‌هنجاری که موجب نوعی هرج و مرج در نظام اجتماعی شده است؛
- بحران هویت نسل جوان و تاثیر این بحران بر تشدید جرائم؛
- نداشتن برنامه‌ای حساب شده و مدون در زمینه اوقات فراغت افراد جامعه به خصوص نسل جوان که نیاز به تحرک و تخلیه انرژی دارد؛
- مسئله مهاجرت از روستا به شهر و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ که بالقوه خطر بزرگی محسوب می‌شود؛
- مسئله حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ که معلول نابرابری اجتماعی و مهاجرت در کشور می‌باشد و عامل مهمی در افزایش جرائم در شهرهای بزرگ است؛
- افزایش سن ازدواج و عدم ارائه راه‌کاری عملی برای ارضای نیازهای جنسی افراد جامعه؛
- گسترش بی‌تفاوتی و ناامیدی در جامعه
- تضعیف فریضه امر به معروف و نهی از منکر در پی گسترش بی‌تفاوتی در افراد جامعه؛
- ایجاد نیازهای کاذب در افراد جامعه و عدم ارائه راه‌کارهای مناسب برای ارضای آنها؛
- گسترش تکنولوژی‌های جدید و عدم آمادگی برای پیشگیری و مقابله با جرائم ناشی از آن؛
- عدم اعتقاد درونی نظام‌های اجتماعی و سیاسی کشورهای جهان سوم به مقوله پیشگیری؛
- افزایش بی‌رویه جمعیت و تاثیر مستقیم آن بر افزایش جرم؛
- جامعه در حال گذر و مشکلات مختلف آن در کنار انقلاب و جنگ تحمیلی؛

- تضاد روزافزون سنت و مدرنیسم و تضاد و دوری نسل‌ها از یکدیگر؛
- مسئله اتباع بیگانه و ورود و خروج غیر قانونی آن‌ها به کشور؛
- نبود رویه قضایی مشخص در کشور و نظام قضایی در مقابله و پیشگیری جرائم؛
- عدم آشنایی کامل قضات با مسائل اجتماعی و تاثیر این مسائل بر وقوع جرم؛
- کاهش سرمایه اجتماعی در امر تسهیل پیشگیری و مبارزه با جرائم؛
- عدم تربیت و آموزش درست مجرمان در زندان که جذب دوباره این افراد به کارهای خلاف را موجب می‌شود؛
- عدم کارایی زندان به عنوان عاملی تنبیهی و بازدارنده و تبدیل زندان به استراحتگاه و آموزشگاه مجرمان تازه کار؛
- عدم استفاده درست و علمی از نخبگان دانشگاهی و سلیقه‌ای عمل کردن مسئولین؛
- عدم برخورد با جرائم یقه سفیدان و آقازاده‌ها و تاثیر این مسئله بر کاهش اقتدار ارکان نظام و گستاخ شدن مجرمان و ناامیدی، و بی‌تفاوتی مردم و مامورین ناجا از سوی دیگر.

ب) در سطح انتظامی

- عدم مشارکت و همکاری کامل مردم با نیروی انتظامی در زمینه پیشگیری از جرم؛
- افزایش روزافزون جرائم و به تبع آن افزایش توقعات از نیروی انتظامی؛
- مشکلات ساختاری و درونی نیروی انتظامی که موجب کاهش انگیزه کارکنان ناجا در مبارزه با جرم می‌گردد؛
- عدم برخورد قاطع دستگاه قضایی با مجرمان که این مسئله بر میزان تلاش مامورین ناجا تاثیر مستقیم دارد؛
- کافی نبودن اقدامات فرهنگی برای مقابله و پیشگیری از جرم به ویژه در حوزه ناجا؛
- برخورد مقطعی با مصادیق ناامنی در جامعه که تاثیر کوتاه مدت و فریبنده دارند؛
- تاثیر متغیرهای کلان جامعه (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و...) بر کارکنان نیروی انتظامی؛

- عدم کارایی برنامه‌های کنترل و پیشگیری جرم ناجا به دلیل لحاظ نشدن متغیرهای کلان؛
- فاصله اجتماعی نیروی انتظامی از نهادهای مسئول در زمینه اجتماعی کردن افراد جامعه؛
- عدم استفاده از روش‌های علمی کنترل جرم در مناطق گسترده و پراکنده.

چشم‌انداز: در صورت ادامه وضعیت موجود

جامعه اسلامی با تکیه بر فرهنگ غنی اسلامی و فطرت پاک انسانی به عنوان ابزارهای کارآمد و مؤثر کنترل اجتماعی بی‌تردید تا حدودی از مظاهر فساد و جنایت، شبیه آنچه که در برخی از کشورها اتفاق می‌افتد مصون بوده است؛ ولی باید اذعان داشت تا رسیدن به یک امنیت در خور شایسته فرهنگ اسلامی هنوز فاصله زیادی داریم. ناهماهنگی میان نهادها و سازمان‌های متولی امر پیشگیری، اتخاذ تدابیر منطقی و نمایشی برای دستیابی به اهداف فوری، کمبود امکانات و کارکنان مجرب و متخصص در زمینه پیشگیری از جرم، عدم سرمایه‌گذاری و تخصیص امکانات و منابع لازم و در نهایت، فقدان یک نهاد ایجاد کننده وحدت و انسجام در میان بخش‌های مختلف سیاست جنایی، بزهکاری را در کشور به یک معضل تبدیل کرده است، که در صورت ادامه این روند در آینده با نوعی بحران در سیاست جنایی و اثرات جرم‌زایی در جامعه مواجه خواهیم بود. مهمترین مسائل و مشکلاتی که در صورت ادامه وضعیت موجود در زمینه پیشگیری و مقابله با جرم در دو سطح ملی و انتظامی ایجاد خواهد شد به شرح ذیل می‌باشد:

الف) در سطح ملی

- افزایش ناامنی در جامعه و در پی آن کاهش اقتدار و مقبولیت نظام حکومتی؛
- ایجاد و گسترش شدید گروه‌های تبهکار سازمان یافته و دشوار شدن مقابله با آن‌ها؛
- ایجاد نارضایتی در جامعه و به تبع آن کاهش مشارکت‌های سیاسی اجتماعی؛
- آسیب پذیری جدی نهاد خانواده به عنوان پایه اصلی استحکام نظام اجتماعی؛

- نفوذ کشورهای بیگانه در کشور و تاثیر گذاری آن‌ها بر روند تحولات فرهنگی-اجتماعی؛
- تضعیف ارزش‌های مذهبی و ارتباط مستقیم آن با اقتدار حکومت؛
- افزایش آنومی و هرج و مرج در جامعه و در نهایت رسیدن به مرحله فلج اجتماعی؛
- تاثیر مستقیم ناامنی کشور بر اقتصاد ملی و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در کشور؛
- مصرف سرمایه‌های مادی و معنوی کشور در راه مبارزه‌ای بیهوده با جرایمی که هر ساله در حال افزایش است؛
- کاهش اعتبار کشور در سطح نظام بین‌الملل و تاثیرات آن بر روابط ایران با دنیای خارج؛
- ایجاد شورش‌های خیابانی و گسترش اعتراضات مردمی به دلیل کاهش امنیت؛
- ایجاد فرصتی برای بازگشت حکومت‌های دیکتاتوری به بهانه برقراری نظم و امنیت.

ب) در سطح انتظامی

- عدم توانایی نیروی انتظامی در پیشگیری و کنترل جرائم سازمان یافته؛
- کاهش اعتبار و منزلت نیروی انتظامی در داخل و خارج کشور؛
- کاهش اقتدار نیروی انتظامی و کاهش اعتماد مردم به ناجا و مسئولین امنیتی کشور؛
- احتمال دخالت نهادهای نظامی در امر مبارزه با جرم و به حاشیه رانده شدن ناجا؛
- رشد انحرافات و تخلفات در نیروی انتظامی و فاسد شدن دستگاه انتظامی کشور؛
- بی تفاوتی و بی‌انگیزه شدن کارکنان ناجا با توجه به عدم حمایت از آن‌ها؛
- کاهش اعتماد به نفس مأمورین ناجا در پی عدم توانایی در برخورد با رشد فراوان جرائم؛
- افزایش انتقادات از ناجا و در نهایت تضعیف ناجا به علت ناتوانی در امر مبارزه با جرائم؛
- تشدید تحركات قومی و مذهبی در کشور بر اثر احساس ناتوانی ناجا در زمینه ایجاد امنیت؛
- کاهش همکاری دیگر سازمان‌های مسئول با ناجا در زمینه پیشگیری و مقابله با جرم به دلیل کاهش اعتبار ناجا.

چشم‌انداز: وضعیت مطلوب

تهیه و تدوین برنامه ملی پیشگیری از جرم، که در آن، مراحل اساسی پیشگیری از جمله: تجزیه و تحلیل وضعیت بزهکاری و نوسانات آن، انتخاب اهداف پیشگیری و اولویت دادن به گروه‌هایی که بیشتر در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند، تبیین نظریه جرم‌شناسی مورد نیاز برای هر طرح، انتخاب نوع پیشگیری اعم از پیشگیری اولیه، ثانویه و پیشگیری مرحله سوم، تعیین مقام و مرجع صالح برای پیشگیری از جرم و نیز ارزیابی عملی طرح‌های پیشگیری تاکنون به مرحله اجرا درآمده و به طور دقیق و شفاف مشخص شده است. از اینرو با تهیه و اجرای طرح ملی پیشگیری، منطقی نمودن و تعدیل انتظارات و توقعات مردم از نیروی انتظامی، دستگاه قضایی و نظام عدالت کیفری رسمی در زمینه پیشگیری از جرم، جلب حمایت و مشارکت همه سازمان‌ها و نهادهای ذیربط و هم‌چنین فعال کردن ظرفیت‌ها و امکانات موجود در نهادهای فرا کیفری (خانواده، مدرسه، نهادهای مذهبی و وسایل ارتباط جمعی)، در زمینه پیشگیری از جرم فراهم خواهد شد. بنابراین با رعایت موارد و نکات ذیل در دو سطح ملی و انتظامی می‌توان به تحقق چشم‌انداز مطلوب امیدوار شد:

الف) در سطح ملی

- داشتن یک برنامه همه جانبه در زمینه پیشگیری که تمامی ابعاد مسئله را مد نظر قرار داده و تمامی سازمان‌های مسئول در آن مشارکت داشته باشند؛
- تفکیک وظایف سازمان‌های مختلف مسئول در امر پیشگیری و مقابله با جرم به منظور جلوگیری از اقدامات موازی و اتلاف وقت و هزینه‌ها؛
- تلاش در جهت حل مشکلات اقتصادی جامعه به منظور کاهش زمینه‌های انحرافات؛
- تلاش در جهت ایجاد وحدت ارزشی در جامعه و ایجاد انسجام اجتماعی؛
- تقویت ارزش‌های مذهبی و اخلاقی به عنوان مهمترین عامل پیشگیری از جرائم؛
- احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تلاش در جهت کاستن از میزان بالای بی‌تفاوتی افراد جامعه؛

- توجه به پرورش زندانیان به منظور جلوگیری از بازگشت دوباره آن‌ها به جرم مجرمین؛
- جلوگیری از مهاجرت، حاشیه نشینی و تمرکزگرایی در شهرها با توسعه‌ای عدالت محور، همه جانبه و موزون که هدف اصلی آن کاهش نابرابری اجتماعی و اقتصادی باشد؛
- استفاده از سازمان‌های مردم نهاد به منظور جلب مشارکت‌های مردمی؛
- توجه جدی به روند اجتماعی شدن و جامعه پذیری افراد جامعه در خانواده، مدرسه، دانشگاه، محل کار و... و نظارت و کنترل این روند تا حد توان؛
- کاهش عناوین جرم و هم‌چنین تلاش در جهت کاهش زمینه‌های بروز جرم؛
- استفاده درست از نظرات نخبگان و متفکران دانشگاهی به منظور اتخاذ رویکردهای علمی و تجربی دقیق در زمینه پیشگیری و مقابله با جرم.

ب) در سطح انتظامی

- تدوین راهبرد مناسب در سطح ناجا در زمینه پیشگیری و مقابله با جرم که با سازمان‌های دیگر نیز هماهنگ باشد؛
- تعامل بیشتر با مراکز دانشگاهی به منظور افزایش توان علمی ناجا در امر مبارزه با جرائم؛
- حمایت و پشتیبانی از مامورین و کارکنان ناجا در مقابله با مجرمین؛
- استفاده از تجربیات سازمان‌های پلیسی سایر کشورهای جهان به منظور جلوگیری از مسئله آزمون و خطا و هزینه‌های آن؛
- شناسایی مراکز خاص جرم خیز شهرها و کنترل نامحسوس این مراکز به منظور جلوگیری از گسترش دامنه جرائم؛
- اولویت بندی پیشگیری و برخورد با جرائم با توجه به تعداد افراد متضرر از جرم مورد نظر و تمرکز بر جرائم چند بعدی؛
- تلاش در جهت جلب حمایت‌های مردمی و نزدیکی هرچه بیشتر به سازمان‌های مردم نهاد؛

- توجه به مسئله معیشتی کارکنان ناجا به منظور جلوگیری از تطمیع آن‌ها از سوی مجرمان؛
- برخورد شدید با جرائم سازمان یافته و برنامه ریزی شده؛
- شناسایی جرائم احتمالی آینده با توجه به تجربیات دیگر کشورها و روند تحولات کشور؛
- آموزش مامورین در زمینه شیوه‌های درست امر به معروف و نهی از منکر؛
- تعریف دقیق و علمی جرم و بیماری در زمینه مسایلی هم‌چون اعتیاد و قاچاق موادمخدر؛
- برخورد سریع و قاطع با مامورین متخلف با هدف افزایش اعتبار ناجا؛
- ارتباط نزدیکتر و بهتر با مدارس و مراکز آموزشی به منظور اطلاع رسانی و آگاه سازی.

راه‌کارها و اقدامات لازم در جهت پیشگیری و مقابله با جرم در دو سطح ملی و انتظامی

- در اجرای قسمت اول بند ۵ اصل ۱۵۶، «شورای ملی پیشگیری از جرم» به مدیریت قوه قضائیه و با حضور مدیران و روسای سازمانی و نهادهای ذی‌ربط و با هدف سیاستگذاری و ایجاد هماهنگی میان نهادها و سازمان‌هایی که عهده‌دار مسئولیت پیشگیری از جرم هستند تشکیل شود؛
- واحدهای اجرای این شورا در سطح استان‌ها و شهرستان‌های کشور در قالب شوراهای استانی و شهرستانی پیشگیری از وقوع جرم تحت نظارت شورای ملی تشکیل تا اقدامات و تدابیر محلی و منطقه‌ای پیشگیری از جرم را متناسب با شرایط اقتصادی، فرهنگی و بومی هر استان و شهرستان به مرحله اجرا در آورد؛
- به منظور افزایش سطح آگاهی‌های مسئولان و مقامات سیاست جنایی در خصوص مراحل اساسی پیشگیری از وقوع جرم و ابتکار و نوآوری‌های بومی و منطقه‌ای، در این زمینه، دوره‌های کوتاه مدت آموزش مدیریت پیشگیری به مرحله اجرا در آید؛

- مطالعات و بررسی‌های لازم در خصوص تعیین نقش و جایگاه هر یک از بخش‌های تقنینی، اجرایی، قضایی و مشارکتی در امر پیشگیری از وقوع جرم و مکانیزم همکاری و هماهنگی بین آن‌ها برقرار گردد؛
- با توجه به مفهوم پیشگیری عمومی (بسترسازی سالم در جامعه جهت کاهش بزهکاری) زمینه‌های لازم جهت مشارکت مردم و نهادهای مردمی در این خصوص فراهم شود؛
- با توجه به مفهوم پیشگیری وضعی که «کم کردن امکانات و فرصت‌های جرم» است، نقش دستگاه‌ها و نهادهای مختلف جامعه در خصوص این نوع پیشگیری تبیین شود؛ به عنوان مثال، در بحث جرایم اقتصادی که از اهمیت زیادی نیز برخوردار است، مقررات و نحوه عملکرد دستگاه‌های اجرایی همانند گمرک، وزارت بازرگانی، وزارت اقتصاد، بانک مرکزی و سایر نهادهای مختلف مالی می‌تواند عامل موثری در پیشگیری از جرم و یا ایجاد زمینه‌های مساعد ارتکاب جرم باشند؛
- نظر به اهمیت امر پیشگیری و تاکید قانون اساسی بر آن، نسبت به تاسیس نهادهای مستقل و اجرایی در ستاد قوه قضائیه اقدام گردد؛
- با توجه به میزان تخصیص بودجه‌های اجتماعی از سوی دولت، نسبت به اختصاص ردیف بودجه مستقل پیشگیری از وقوع جرم از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور پیگیری‌های لازم صورت گیرد؛
- نیروی انتظامی با شناسایی مراکز جرم خیز و گسترش حضور فیزیکی خود در این مناطق نقش مهمی در کنترل جرائم ایفا خواهد کرد؛
- با جلب مشارکت‌های مردمی و همکاری سازمان‌های مردم نهاد توسط معاونت اجتماعی ناجا می‌توان هزینه‌های کنترل و پیشگیری از جرائم را به شدت پایین آورد و کارایی طرح‌ها را بالا برد؛
- با تقسیم بندی دقیق و علمی مناطق مختلف کشور از نظر تنوع و میزان جرم و تربیت نیروهای متخصص در هر زمینه تا حدود زیادی می‌توان کارایی و اثربخشی عملیات مقابله با جرائم را افزایش داد.

نتیجه‌گیری:

بدون شک چالش‌ها و چشم‌اندازهای حوزه پیشگیری و مقابله با جرم فراوان بوده و حل مسائل و مشکلات این حوزه به راحتی امکان‌پذیر نیست. عدم توجه به اهمیت مقوله پیشگیری از جرم و تاکید بر برخوردهای کیفی و پلیسی موجب پیچیده و پرهزینه شدن مقابله با جرم شده است.

به منظور کاهش و کنترل میزان جرایم، توجه همزمان به پیشگیری کیفی، پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی غیر قابل اجتناب بوده و با ادغام و اجرای همزمان انواع مختلف پیشگیری تا حدود زیادی می‌توان به پیشگیری و مقابله با جرم امیدوار بود. در این میان بزرگ‌ترین چالش حوزه پیشگیری و مقابله با جرم را می‌توان وجود مراکز متعدد مسئول در این زمینه دانست که همین کثرت مانع اصلی هماهنگی و تدوین سیاستی جامع در این حوزه می‌باشد. البته در صورت وجود هماهنگی، وجود مراکز مختلف در حوزه‌های گوناگون می‌تواند خود به عنوان یک فرصت تلقی شود ولی متأسفانه در کشور ما به دلیل عدم وجود همکاری و هماهنگی لازم میان سازمان‌های مسئول، این فرصت در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه پیشگیری و مقابله با جرم به یک تهدید تبدیل شده است. با توجه به ادامه روند موجود چشم‌انداز حوزه پیشگیری و مقابله با جرم چندان امیدوارکننده به نظر نمی‌رسد و در صورت عدم توجه جدی مسئولین به این مقوله چالشی اساسی پیش روی امنیت ملی در دو بعد داخلی و خارجی وجود داشته که اعتبار و اقتدار کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد.

منابع

- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). "دایره المعارف علوم اجتماعی"، انتشارات کیهان.
- ستوده، هدایت اله (۱۳۸۲). "آسیب شناسی اجتماعی: تبیین‌ها و دیدگاه‌ها". فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. پیش شماره دوم. فصلنامه تخصصی کاربردی معاونت اجتماعی ناجا.
- سیاسی، علی اکبر (۱۳۶۰). "روانشناسی جنایی"، بی‌جا.
- گل محمدی خامنه، علی (۱۳۸۴). "پیشگیری از جرایم"، تهران، انتشارات جهان جام جم.
- منظمی تبار، جواد (۱۳۸۴). "مبارزه با جرایم اجتماعی"، تهران، انتشارات جهان جام جم.
- میرمحمدصادقی، محمدحسین (۱۳۸۲). "پیشگیری از وقوع جرم"، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش شماره دوم، فصلنامه تخصصی کاربردی معاونت اجتماعی ناجا.
- نوروزی، نادر (۱۳۸۵). "طرح پژوهشی تدوین سیاست کنترل جرم در ناجا با تکیه بر پیشگیری در رسته راهور"، دفتر تحقیقات کاربردی معاونت طرح و برنامه و بودجه ناجا.
- ولد، جرج و همکاران (۱۳۸۰). "جرم شناسی نظری"، ترجمه علی شجاعی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.